

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۲۲

(۲۵۰-۲۱۹)

چند فرایند واجی فعال در گویش شیرازی

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا*، شب‌نم گل نشین*

چکیده

هدف از نگارش این پژوهش بررسی فرایندهای واجی فعال در گویش شیرازی است. بدین منظور داده‌های موردنیاز پژوهش به چند روش جمع‌آوری شده‌اند: ۱. مصاحبه با ۵ تن از گویشوران شیرازی، ۲. استفاده از شم زبانی یکی از نگارندگان در تأیید داده‌ها، ۳. استفاده از منابعی مانند سمندر (۱۳۷۷ و ۱۳۸۳) و زارعی (۱۳۸۳) که به این گویش شعر و داستان نوشته‌اند. پس از گردآوری بیش از پانصد واژه ساده، غیرساده و گروه، داده‌ها با توجه به بافت مشترک دسته‌بندی شده‌اند و نوع فرایند هرکدام شناسایی، توصیف و تحلیل شده و قاعده هر فرایند نوشته شده است. در انتهای هر قسمت، یکی از داده‌ها از زیرساخت تا روساخت به‌عنوان نمونه بازنمایی شده است.

برخی از نتایج این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. در توالی‌های همخوانی /-st-/ و /-zd-/ در بافت بین دو واکه فرایند همگونی به‌صورت پیش‌رو عمل می‌کند. ۲. واکه پسین افتاده /a/ در بافت قبل از سایشی لثوی کامی /j/ و در پایان تکواژهای آزاد به واکه میانی [o] ارتقاء می‌یابد. ۳. تکواژ اضافه /-e/ در گروه‌های اضافه و وصفی حذف می‌شود. ۴. واکه پسین

* دانشیار گروه زبان‌شناسی در دانشگاه تربیت مدرس و نویسنده مسئول

akord@modares.ac.ir

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

ShabnamGolneshin@yahoo.com

افتاده /a/ موجود در پسوند سببی [-and] پیش از توالی همخوانی /nd/ یک درجه افراشته شده و به واکه میانی [o] تبدیل می‌گردد. ۵. واکه میانی /e/ موجود در پیشوند امری و التزامی /be-/ به لحاظ مشخصه‌های [پسین] و [افراشته] با واکه‌های افراشته ستاک فعل هماهنگی واکه‌ای دارد.

واژه‌های کلیدی: ارتقاء واکه، همگونی، هماهنگی واکه‌ای، درج، حذف.

مقدمه

در داستان‌ها آمده است که «شیراز» فرزند تمهورس، از پادشاهان سلسله پیشدادیان، شهر شیراز را تأسیس کرد و نام خود را بدان بخشید. در روایتی دیگر، نام این دیار، «شهر راز» بوده که به‌اختصار شهرآز و شیراز خوانده شده است. تأسیس شهر شیراز به حدود ۲۵۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. شیراز هم‌اکنون نیز در محل تقاطع مهم‌ترین راه‌های ارتباطی شمال به جنوب و شرق به غرب کشور قرار دارد و این موقعیت در ادوار پیش از اسلام شاخص‌تر بوده است. در عهد هخامنشیان شیراز بر سر راه شوش (پایتخت) به تخت جمشید و پاسارگاد بوده و در عهد ساسانیان راه ارتباطی شهرهای مهمی چون بیشاپور و گور با استخر، از جلگه شیراز می‌گذشت. همچنین وجود آثار قدیمی مانند قصر ابونصر، باقیمانده از دوره اشکانیان، نقوش برجسته برم دلك، مربوط به دوره ساسانی و حکاکی نام شیراز به خط پهلوی بر روی مسکوکات کشف‌شده از قصر ابونصر و نیز بر روی سنگ‌نبشته‌های یافت‌شده در تخت جمشید (در حفاری‌های کامرون در سال ۱۳۱۴، هـ.ش) جملگی گواه بر وجود شهر شیراز، در دوران پیش از اسلام است.

خطه فارس که یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشری بر پهنه آن گسترده است، حدود ۱۳۳ هزار کیلومتر مربع است و تقریباً ۸/۱ درصد از خاک ایران را دربرمی‌گیرد. مرکز استان فارس شهر شیراز است که شامل شش بخش، پنج شهر و ۲۱ دهستان است. بخش‌های این شهرستان عبارت‌اند از: «سروستان، زرقان، کربال، کوار، ارژن و بخش مرکزی» که شامل شهر قدیمی شیراز و حومه آن است. جمعیت شهرستان شیراز بالغ بر ۱.۳۶۳.۲۴۴ نفر با جمعیتی نسبتاً جوان است. این منطقه محل زندگی اقوام مختلف بوده و دارای ویژگی‌های متنوع فرهنگی مردمی است. درعین‌حال که مذهب تشیع زیربنای دینی جوامع فارس را تشکیل می‌دهد، اقلیت‌های مذهبی یهودی، عیسوی، ارمنی، آسوری و زردشتی نیز در آن زندگی می‌کنند. زبان اکثر مردم این خطه فارسی است؛ ولی بعضی از ساکنان به زبان‌های ترکی، لری، عربی، آسوری و ارمنی تکلم می‌کنند. گویش شیرازی بیشتر در محله‌های قدیمی‌تر شهر همچون «دروازه سعدی، لب آب، دروازه قصاب‌خانه، دروازه شاه داعی‌الله» رواج دارد که با گویش اهالی و کسبه نقاط دیگر اندکی متفاوت است.

مطالعه گویش‌ها همواره حوزه‌ای موردتوجه در زبان‌شناسی بوده است. علاوه بر شباهت‌ها، بین گویش شیرازی و زبان فارسی معیار تفاوت‌هایی در نوع فرایندهای واجی دیده می‌شود که برخی از آن‌ها در این پژوهش موردبررسی قرار می‌گیرد. پرسش این پژوهش عبارت است از اینکه فرایندهای واجی فعال در گویش شیرازی کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

سمندر (۱۳۷۷) در کتاب *شعر شیراز* مجموعه‌ای از ۳۲ قطعه شعر محلی شیرازی را در قالب‌های سنتی سروده و در دو بخش تنظیم کرده است. بخش اول به متن کامل اشعار و بخش دوم به معنی و شرح واژه‌ها و اصطلاحات شیرازی به‌کاررفته در اشعار همراه با آوانگاری اختصاص دارد. خزدوز (۱۳۸۲) در کتاب *کاکو شیرازی* اشعاری را به گویش

شیرازی سروده و واژه‌ها و ابیات آن را شرح داده است. زارعی (۱۳۸۳) در کتابی با عنوان *ماجرای خانم دوسی* مجموعه ۱۷ داستان کوتاه به لهجه شیرازی به گونه طنز با مضامین اجتماعی نوشته است. سلامی (۱۳۸۳) تا (۱۳۸۸) در اثری پنج‌جلدی با عنوان *گنجینه گویش‌شناسی فارس* داده‌های اولیه حدود ۵۰ گویش را در استان فارس جمع‌آوری نموده است. در مورد هر گویش معرفی همخوان‌ها و واکه‌ها، نکات دستوری صرفی و نحوی، همراه با جمله‌ها و مثال‌های متنوع ذکر شده است. سپاسدار (۱۳۸۸) در کتاب خود با عنوان *شیرازی؛ نگاهی به لهجه مردم شیراز* این گویش را در چهار بخش معرفی کرده است: ۱. تغییرات واکه‌ها و همخوان‌ها تحت عنوان فرایندهایی چون ابدال، ادغام، کاهش، افزایش و قلب همراه با ذکر مثال. ۲. تغییرات آوایی که با توجه به ملاحظات صرفی و نحوی بر واژه‌ها اعمال می‌شود. ۳. واژه‌نامه‌ای همراه با معنا و آوانویسی. ۴. مثل‌ها، کنایه‌ها، اسامی و عناوین معروف در شیراز، بازی‌ها، مکان‌ها و سرودهای عامیانه به لهجه شیرازی. زارعی فر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فرایندهای واجی و آوایی لهجه شیرازی» به توصیف فرایندهای حذف، ابدال و همگونی در گویش شیرازی پرداخته است.

مبانی نظری

واج‌شناسی زایشی یا واج‌شناسی معیار با انتشار اثر معروف چامسکی و هله (۱۹۶۸) با عنوان «الگوی آوایی زبان انگلیسی»^۱ معرفی گردید. در انگاره SPE هر واحد واجی به صورت مجموعه‌ای از مشخصه‌ها تعریف می‌گردد. این مشخصه‌ها طبقات طبیعی را تعریف می‌کنند؛ یعنی گروهی از واج‌ها را در یک طبقه قرار می‌دهند. واحدهای واجی موجود در یک طبقه تحت تأثیر یک یا چند قاعده واجی قرار می‌گیرند. قواعد واجی آن دسته از قواعدی هستند که بازنمایی زیرساختی را به بازنمایی روساختی تبدیل می‌کنند. این گونه قواعد، «قواعد

¹ The Sound Pattern of English = SPE

واجی» و فرآیندهایی که حوزه عملکرد این قواعد هستند، «فرآیندهای واجی» نامیده می‌شوند. بنابراین، شناخت طبقات طبیعی برای آواهای یک زبان نقش بسیار مهمی در شناسایی فرآیندهای واجی آن زبان ایفاء می‌کند.

بازنمایی آوایی نشان می‌دهد که واژه چگونه در گفتار تجلی می‌یابد. بازنمایی واجی انتزاعی‌تر است و نشانگر صورت ذهنی اهل زبان از واژه‌هاست. واج‌شناسان معتقدند که صورت‌هایی از واحدهای واژگانی که در ذهن ذخیره شده‌اند، صورت‌های بنیادی و اصلی هستند. این دو نوع بازنمایی از طریق قواعد واجی حذف، درج یا تغییر آواها در بافت‌های خاص باهم ارتباط دارند. این قواعد و بازنمایی‌ها تحت کنترل و نظارت فعال گویشوران است.

قواعد مطرح در نظریه زایشی را می‌توان به دو دسته قاعده تقسیم کرد:

- (۱) قواعد پیش‌فرض که قواعد بی‌نشانی هستند که به قواعد واجی آزاد از بافت نیز موسوم‌اند. این قواعد بخشی از دستور جهانی محسوب می‌شوند. مانند قاعده زیر:

$$A \rightarrow B$$

- (۲) قواعد حشو و قواعد واجی. این دسته از قواعد، فرآیندهای واجی متکی به بافت را نشان می‌دهند. از این‌رو به آن‌ها قواعد حساس به بافت یا مقید به بافت گفته می‌شود. صورت کلی این قاعده به شکل زیر است:

$$A \rightarrow B / \text{---} C$$

روش پژوهش

در مقاله حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، داده‌های موردنیاز پژوهش به چند روش جمع‌آوری شده‌اند: ۱. مصاحبه با ۵ تن از گویشوران شیرازی، ۲. استفاده از شم زبانی یکی از نگارندگان در تأیید داده‌ها، ۳. استفاده از منابعی مانند سمندر (۱۳۷۷ و ۱۳۸۳) و زارعی (۱۳۸۳) که به این گویش شعر و داستان نوشته شده‌اند. پس از گردآوری بیش از پانصد واژه ساده، غیرساده و گروه، داده‌ها با توجه به بافت مشترک دسته‌بندی شده‌اند و نوع فرایند هرکدام شناسایی، توصیف و تحلیل شده و قاعده هر فرایند نوشته شده است. در انتهای هر قسمت، یکی از داده‌ها از زیرساخت تا روساخت به‌عنوان نمونه بازنمایی شده است.

ارائه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت انواع فرایندهای حذف، همگونی، افراستگی واکه و هماهنگی واکه‌ای در گویش شیرازی در بافت آن شناسایی شده و قاعده لازم برای هرکدام در نظریه واج‌شناسی زایشی نوشته شده است.

فرآیند حذف

شاید آشکارترین نوع دگرگونی صوتی، ازمیان‌رفتن یا محو واکه‌ها یا همخوان‌هاست؛ به‌ویژه در زبان‌هایی که تکیه قوی بر روی یک هجای واژه وجود دارد (آرلاتو، ۱۳۷۳: ۱۱۷).

جدول ۱. فرآیند حذف انسدادی‌های تیغه‌ای از خوشه پایانی

نوشتار فارسی	واج‌نویسی معیار	گویش شیرازی
نوشت	neveʃt	neveʃ
مست	mast	mas
هست	hast	has
گذاشت و برداشت	jozaʃt+va+bardaʃt	jozoʃt+o+vardoʃ
شکست	ʃecast	ʃecəs
نشست	neʃast	neʃəs
هشت	haʃt	haʃ
هفت	haft	haf
سفت	seft	sef
رفت	raft	raf
گفت یا نگفت	joft+ja+najoft	joʃ+jo+najoʃ
شُفت	ʃenid	ʃonof
سخت	saxt	sax
لخت	loxt	lox
بلند	boland	bolan
مُزد	mozd	moz
دزد بازی	dozd+bazi	doz+bazi

در داده‌های جدول ۱ در گویش شیرازی همخوان‌های /t/ و /d/ در خوشه‌های همخوانی /st/، /ft/، /xt/ و نیز /nd/ و /zd/ در پایان واژه و نیز پیش از همخوان حذف می‌شوند. این فرایند حذف به صورت قاعده ۱ نوشته شده است:

قاعده ۱: حذف انسدادی‌های تیغه‌ای به عنوان عضو دوم خوشه همخوانی در پایان واژه و بافت پیش از همخوان

$$[t, d] \rightarrow \emptyset / \text{CVC} \text{ --- } \{ \#, C \}$$

اگر در واژه‌ای انسدادی /t/ بعد از همخوان واک‌دار در خوشه همخوانی قرار گیرد، حذف نمی‌شود. همچنین اگر در ترکیب قبل از واکه قرار گیرد، حذف نمی‌شود. مانند ترکیب پیوندی «گذاشت و برداشت». اگر انسدادی /t/ در ترکیب به عنوان عضو دوم توالی سه همخوانی قرار گیرد، حذف می‌گردد. مثلاً در واژه مرکب «دستکش». بازنمایی ۱ واژه‌های «نوشت» و «دزد» را از زیرساخت تا روساخت نشان می‌دهد:

بازنمایی ۱. واژه‌های «نوشت» و «دزد» و حذف همخوان‌های انسدادی تیغه‌ای پایانی

/dozd/	بازنمایی زیرساختی	/neveʃt/	بازنمایی زیرساختی
doz	۱. قاعده حذف انسدادی پایانی	neveʃ	۱. قاعده حذف انسدادی پایانی
[doz]	بازنمایی روساختی	[neveʃ]	بازنمایی روساختی

فرایند همگونی

فرایند همگونی «عام‌ترین نوع تحول آوایی» است که طی آن «یک آوا در یک یا چند مشخصه با محیط شباهت می‌یابد.» (کنستویچ، ۱۹۹۴: ۲۱).

جدول ۲. فرایند همگونی پیش‌رو در توالی همخوانی /-st-/ و /-zd-/ بین دو واکه

نوشتار فارسی	واج‌نویسی معیار	گوش شیرازی
دسته	daste	dasse
هسته	haste	hasse
جُسته (پیدا کرده)	-----	dʒosse
دستش	dastaʃ	dasseʃ
شکسته	ʃecaste	ʃecesse
نوزده	nuzdah	nuzze
سیزده	sizdah	sizze
یازده	jazdah	jazze
دزدی	dozd+i	dozzi
مزدش	mozd+aʃ	mozzeʃ

بر طبق داده‌های جدول ۲ فرایند همگونی از نوع همگونی پیش‌رو است که طی آن همخوان‌های /t/ و /d/ در توالی‌های همخوانی /-st-/ و /-zd-/ در بافت بین دو واکه در مشخصه شیوه تولید همگون شده‌اند؛ به‌طوری‌که نوعی همگونی کامل رُخ داده و به ایجاد تشدید عارضی^۲ منجر شده که بین دو جفت همخوان گرفته سایشی و انسدادی /s, z/ و /t, d/ به وجود آمده است. این فرایند به‌صورت قاعده ۲ نشان داده می‌شود:

^۲ تشدید عارضی (fake or apparent gemination) در مقابل تشدید حقیقی (true gemination) زمانی که همخوان‌های یکسان در اثر فرآیندهای واجی یا ساخت‌واژی در مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند، مشدد می‌شوند (کریستال، ۲۰۰۸: ۱۹۷). این نوع تشدید در زیرساخت واژه وجود ندارد و در روساخت پدید می‌آید. کامبوزیا (۱۳۹۸: ۳۳۴) محل ایجاد تشدید عارضی را «در محل اتصال دو تکواژ یا بین دو کلمه مستقل» مانند ترکیب «کم‌مو» ذکر می‌کند. تشدیدهایی از نوع همگونی کامل بین همخوان‌های مجاور در بافت بین دو واکه نوعی تشدید عارضی محسوب می‌شوند (همان: ۳۳۹).

قاعدهٔ ۲- الف، همگونی پیشرو /s/ یا /t/ $t \rightarrow s / V s \text{ --- } V$

قاعدهٔ ۲- ب، همگونی پیشرو /z/ یا /d/ $d \rightarrow z / V z \text{ --- } V$

بازنمایی ۲ واژه‌های «شکسته» و «یازده» را از زیرساخت تا روساخت نشان می‌دهد:

بازنمایی ۲. واژه‌های «شکسته» و «یازده» و فرایند همگونی در توالی همخوانی /st/ و /zd/

/jazdah/	بازنمایی زیرساختی	/ʃecaste/	بازنمایی زیرساختی
jazzah	۱. قاعده همگونی پیشرو	ʃeceste	۱. افراستگی واکه $a \rightarrow e$
jazza	۲. حذف همخوان چاکنایی پایانی	ʃecesse	۲. قاعده همگونی پیشرو
jazze	۳. افراستگی واکه $a \rightarrow e$	---	---
[jazze]	بازنمایی روساختی	[ʃecesse]	بازنمایی روساختی

فرآیند افراستگی واکه قبل از همخوان لثوی کامی /ʃ/

در فرهنگ کریستال (۲۰۰۸) در توصیف ارتقاء واکه^۳ آن را فرایندی عمودی می‌داند که بر ارتفاع زبان تأثیر می‌گذارد و در مقابل افتادگی واکه^۴ قرار می‌گیرد. برای مثال، در هماهنگی واکه‌ای، یک واکه ممکن است در محیط یک واکه افراشته که بعد از آن قرار دارد، افراشته شود. در جریان تحول زبان، واکه‌ای که در جایگاه افتاده‌تر قرار دارد، ممکن است به جایگاهی نسبتاً افراشته‌تر ارتقاء یابد (کریستال، ۲۰۰۸: ۳۸۶).

^۳vowel raising

^۴vowel lowering

جدول ۳. ارتقاء واکه /a/ به /o/ در بافت قبل از همخوان لثوی کامی در فعل

فارسی معیار	واج‌نویسی معیار	گویش شیرازی
برداشت	bardaʃt	vardoʃ
داشت	daʃt	doʃ
گذاشت	jozaʃt	jozoʃ
برداشتیم	bardaʃtam	vardoʃtam
گذاشتیم	jozaʃtim	jozoʃtim
نه گذاشت نه برداشت	naʃtoʃt+naʃtoʃt	naʃtoʃt+naʃtoʃt

در فعل‌های جدول ۳ هر جا واکه پسین افتاده /a/ قبل از همخوان سایشی لثوی کامی /ʃ/ قرار دارد، یک درجه ارتقاء یافته و به واکه پسین میانی /o/ تبدیل شده است. درواقع نوعی همگونی در مشخصه افراستگی بین همخوان لثوی کامی و واکه افتاده دیده می‌شود. این تبدیل، کلیه افعال حاوی خوشه همخوانی /-ʃt/ را در برمی‌گیرد، خواه همخوان /t/ در آن‌ها حذف شده یا نشده باشد. این فرایند به صورت قاعده ۳ نشان داده می‌شود:

قاعده ۳: افراستگی واکه افتاده /a/ به /o/ در بافت پیش از همخوان لثوی کامی

$$a \rightarrow o / \text{---} \int (t)$$

بازنمایی ۳ فعل‌های «گذاشت» و «گذاشتم» را از زیرساخت تا روساخت نشان می‌دهد:

بازنمایی ۳. فعل‌های «گذاشت» و «گذاشتم» و فرایند افراشتگی واکه /a/ به /o/

بازنمایی زیرساختی	/jozaʃt/	بازنمایی زیرساختی	/jozaʃt.am/
۱. افراشتگی واکه $a \rightarrow o$	jozoʃt	افراشتگی واکه $a \rightarrow o$	jozoʃtam
۲. حذف همخوان t پایانی $t \rightarrow \emptyset$	jozoʃ	حذف همخوان t	---
بازنمایی روساختی	[jozoʃ]	بازنمایی روساختی	[jozoʃtam]

فرایند حذف تکواژ اضافه [-e] بین دو اسم یا میان موصوف و صفت

حذف تکواژ اضافه [-e] بعد از مضاف یا موصوف مختوم به واکه‌های غیرافراشته /e, o/

در زبان فارسی معیار، در گروه‌های نحوی مانند ساخت‌های اضافه در دو حالت واکه [-e] به‌عنوان نماد اضافه پس از اسم اول درج می‌شود: الف. بین دو اسم در حالت اضافی یا مضاف و مضاف‌الیه، مانند: «لیوانِ آب»؛ ب. بین اسم و صفت در حالت وصفی، مانند: «روزِ روشن». اگر اسم اول به واکه ختم شده باشد، برای جلوگیری از التقای واکه‌ها غلتِ کامی [j] متناسب با پیشین‌بودن واکه دوم [-e]، به‌عنوان همخوان میانجی بین دو واکه درج می‌شود، مانند: «لبویِ داغ». در گویش شیرازی در بافت‌های مذکور، اگر اسم اول به واکه‌های میانی /e, o/ ختم شود، تنها غلت [j] به‌عنوان نماد اضافه آشکار می‌شود و کسره اضافه حذف می‌گردد.

جدول ۴. درج غلت کامی [-j-] پس از مضاف یا موصوف مختوم به واکه‌های میانی /e, o/

نوشتار فارسی	واج‌نویسی معیار	گویش شیرازی
مانتوی آبی	manto+e#abi	mantoj# ?abi
برادر شما	baradar+e#?oma	cacoj# ?o.mo
خواهرهای من	xaharha+e#man	xa: roj# man
پسرهای همسایه	pesarha+e+hamsaje	pesaroj# hamsade
فردای آن روز	farda+e+ an+ruz	fardoj# ?uruz(u)
کینه شتری	cine+e+ ?otori	cinej# ?o.to.ri
صدای بلند	seda+e+ boland	sedoj# Gajem
کلاه سفید	kolah+e+sefid	caloj# safid
لبه تیز دیوار	--	ne:rej# divar
جاهای خوب	d3a+ha+je+xub	d3owoj # xub
در پناه خدا	dar.panh.e.xoda	darpanoj# xoda
مدرسه من	madrese+je+man	madresej# man
جوجه کوچک	d3ud3e+je+cut?ac	d3ud3ej# cut?ic
پله آخر	pelle+e# ax.ar	pellej# ?axer
هفته دیگرش	hafte+e# dijaraf	haftej# dija?f

در جدول ۴ در گروه‌های اضافی یا وصفی که اسم اول به‌عنوان مضاف یا موصوف به واکه‌های میانی /e, o/ ختم شده است، پس از درج غلت کامی میانجی، واکه تکواژ اضافه /-e/ در گویش شیرازی حذف می‌شود. به عبارت دیگر، در این گونه گروه‌های نحوی پیش از

حذف تکواژ اضافه برای رفع التقای واکه‌ها غلت میانجی [-j-] متناسب با واکه دوم درج می‌شود که به صورت قاعده ۴ نشان داده شده است:

قاعده ۴: درج غلتِ کامی [-j-] در ترکیب اضافی و وصفی وقتی که اسم اول به واکه میانی ختم شده باشد:

$$\emptyset \rightarrow j / V [e, o] \text{ --- } \#V$$

$$\emptyset \rightarrow j / V [-\text{high}, -\text{low}] \text{ --- } \#V$$

پس از درج غلتِ میانجی [-j-] تکواژ اضافه /-e/ حذف می‌گردد، اما غلت میانجی باقی می‌ماند. بدیهی است ترتیب اعمال این قواعد حائز اهمیت است؛ زیرا پیش از حذف تکواژ اضافه محیط درج غلت یعنی محیط التقای واکه‌ها وجود دارد. بنابراین، ابتدا غلتِ کامی میانجی درج شده و سپس تکواژ اضافه /-e/ حذف می‌شود.

بازنمایی ۴. گروه وصفی «صدای بلند» در گویش شیرازی

/# seda +e+ Gajem #/	بازنمایی زیرساختی «صدای بلند»
sedo+e+ Gajem	۱. افزایش واکه پایانی در اسم اول $\alpha \rightarrow o / \text{ --- } \#$
sedoje Gajem	۲. درج غلتِ کامی میانجی [-j-]
sedoj Gajem	۳. حذف واکه تکواژ اضافه /-e/
[sedoj Gajem]	بازنمایی روساختی

از آنجاکه در حالت اضافه، هنگام افزودن اسم یا صفت به اسم‌های مختوم به واکه‌های میانی غلت میانجی ظاهر می‌شود، نشان‌دهنده حضور تکواژ اضافه /-e/ در چنین بافتی در زیرساخت می‌باشد که برای رفع التقای واکه‌ها آشکار می‌گردد، اما در روساخت حذف شده است.

حذف تکواژ اضافه [-e] بعد از مضاف یا موصوف مختوم به همخوان یا واکه‌های /i, u/ در بافت‌هایی که اسم نخست به همخوان یا واکه‌های افراشته ختم می‌گردد، تکواژ اضافه [-e] حذف می‌شود.

جدول ۵. مضاف یا موصوف مختوم به همخوان یا واکه‌های افراشته

نوشتار فارسی	واج‌نویسی معیار	گویش شیرازی
لیوانِ آب	livan+e# ab	livan# ?ab
پسرِ همسایه	pesar+e# hamsaje	pesar# hamsade
داییِ من	daji+e# man	doji# man
شبِ بهمن	ʃab+e# behman	ʃab# ba:man
روزِ روشن	ruz+e+rowʃan	ruz# ruʃan
روسریِ تو	rusari+e+to	rusari# to
پتویِ گرم	patu+e# jarm	patu# jarm
هوویِ آن زن	havu+e# an zan	havu# ?u zanu
بازویِ شما	bazu+e# ʃoma	bazu# ʃomo
لبویِ داغ	labu+e# daG	labu# daG

داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که اسم‌های مختوم به همخوان یا واکه‌های افراشته /i, u/ در حالت اضافی یا وصفی بدون تکواژ اضافه به کار می‌روند. به عبارت دیگر، واکه تکواژ اضافه /-e/ حذف می‌شود.

قاعده ۵. حذف واکه تکواژ اضافه /-e/ در اسم‌های مختوم به همخوان یا واکه افراشته در گروه اضافه یا وصفی

$$e \rightarrow \emptyset / \{C, i, u\} + \text{---} \# C$$

بازنمایی ۵. گروه وصفی «پتوی گرم» در گویش شیرازی

/# patu+e jarm #/	بازنمایی زیرساختی «صدای بلند»
---	۱. درج غلتِ کامی میانجی [-j-]
patu jarm	۲. حذف واکه تکواژ اضافه /-e/
[patu jarm]	بازنمایی روساختی

افراستگی واکه پسین افتاده /ɑ/ به میانی [o] در پایان واژه

تراسک (۲۰۰۶: ۳۰۰) اظهار می‌دارد که اگر در هر فرایند واجی جایگاه تولید یک واکه در دهان به جایگاه بالاتری حرکت کند، فرایند ارتقاء یا افراستگی واکه اتفاق افتاده است.

جدول ۶. افراشتگی واکه افتاده /a/ به میانی [o] در پایان واژه

نوشتار فارسی	واج‌نویسی معیار	گوش شیرازی
آقا / پدر	aga	ʔa:Go
با	ba	bo
بابا	baba	babo
بیا	bija	bijo
برادر، کاکا	baradar	caco
شما	ʃoma	ʃomo
کجا	codʒa	codʒo
تا	ta	to
(انگور) منقا	monaGga	monaGGo
الا	ʔella	ʔello
حالا	hala	halo

داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد، تکیه‌های آزاد که در فارسی معیار به واکه پسین افتاده /a/ ختم می‌شوند، در گوش شیرازی یک درجه ارتقاء یافته و به واکه میانی [o] تبدیل می‌گردند. مثلاً واژه «فردا» [farda] در گوش شیرازی به صورت [fardo] تلفظ می‌شود. واکه /a/ در جایگاه غیرپایانی در داده‌هایی مانند «آقا، بابا، حالا» تغییر نمی‌کند. این تبدیل تنها در پایان واژه رخ می‌دهد و قاعده آن به صورت زیر است:

قاعده ۵. افراشتگی واکه پسین افتاده /a/ به میانی [o] در بافت پایان واژه پس از همخوان

$a \rightarrow o / C \text{ --- } \#$

به‌عنوان مثال بازنمایی واژه «فردا» را از زیرساخت تا روساخت بررسی می‌کنیم:

بازنمایی ۶. واژه «فردا» در گویش شیرازی

/# farda #/	بازنمایی زیرساختی واژه «فردا»
fardo	۱. افراشتگی واکه پایانی $a \rightarrow o$
[fardo]	بازنمایی روساختی

در واژه‌هایی که به همخوان چاکنایی یا پسوند تصریفی جمع «-ها» [ha-] ختم می‌شوند، این افراشتگی واکه اتفاق نمی‌افتد. اما وقتی این گونه واژه‌ها به‌صورت مضاف یا موصوف در گروه اضافه قرار گیرند، افراشتگی واکه افتاده پایانی پس از حذف سایش چاکنایی /h/ و درج غلت میانجی مشاهده می‌شود.

جدول ۷. افراشتگی واکه پسین افتاده به میانی در پایان واژه در حالت اضافه

نوشتار فارسی	واج‌نویسی معیار	گویش شیرازی
کارها	car+ha	cara
کارهای من	carha+e #man	caroj man
خواهرها	xahar+ha	xa:ra
خواهرهای من	xahar+ha+e #man	xa:roj man
پناه	panah	pana
در پناه خدا	darpanah+e #xoda	dar panoj xoda
همراه	hamrah	hamra
همراه ایشان	hamrah+e #iʃan	hamroj# ʔuʃan
روزهای روشن	ruz+ha+e# rowʃan	ruzoj#ruʃan
برادرهای خودم	baradar+ha+e# xodam	cacowoj# xodom ^۵

^۵ در گویش شیرازی پسوند مالکیت به‌صورت «م» [-om] تلفظ می‌شود، مانند: «کتابم» [cetab-om]. اما شناسه فعلی «م»

[-am] مانند فارسی معیار تلفظ می‌گردد. مثلاً فعل «رفتم» در گویش شیرازی به‌صورت [raft-am] تلفظ می‌شود.

داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که واکه /a/ در وند تصریفی جمع مانند «-ها» [-ha] در واژه‌هایی مانند «کارها» و «خواهرها» تغییر نمی‌کند. همچنین، در واژه‌های بیش از یک هجا که در فارسی معیار به سایش چاکنایی /h/ ختم می‌شوند و هسته هجای پایانی آن‌ها واکه /a/ است، افراشتگی واکه در شکل منفرد واژه دیده نمی‌شود. افراشتگی واکه افتاده به میانی [o] در این نوع کلمه‌ها تنها در گروه‌های وصفی یا اضافی در گویش شیرازی دیده می‌شود. به عنوان مثال، واژه‌های «پناه» و «همراه» به صورت منفرد، افراشتگی واکه ندارند و فقط فرایند حذف سایش چاکنایی پایانی بر آن‌ها اعمال می‌شود. اما وقتی در گروه اضافه «در پناه خدا» و «همراه ایشان» قرار می‌گیرد، علاوه بر حذف همخوان چاکنایی پایانی، با فرایند افراشتگی واکه تولید می‌گردند. با این توضیحات، گروه اضافه «همراه ایشان» از زیرساخت تا روساخت به شکل زیر بازنمایی می‌شود:

بازنمایی ۷. گروه اضافه «همراه ایشان» در گویش شیرازی

# hamrah+e# iʃan #/	بازنمایی زیرساختی «همراه ایشان»
hamra +e# iʃan	۱. حذف سایش چاکنایی از انتهای واژه اول h → ø / V---#
hamra+ j +e# iʃan	۲. درج غلت کامی میانجی [-j-] در حالت اضافه V---+j / V---#
hamro j +e# iʃan	۳. افراشتگی واکه افتاده به میانی در بافت قبل از غلت j α → o / ---#
hamro j # iʃan	۴. حذف واکه تکواژ اضافه /-e/ در گویش شیرازی e → ø / Vj---#
hamro j # ʔiʃan	۵. درج انسداد چاکنایی در جایگاه آغاز تهِ واژه دوم ʔ → ø / #---V
hamro j # ʔiʃun	۶. افراشتگی واکه افتاده قبل از خیشومی پایانی ʔ → u / ---n#
hamro j # ʔuʃun	۷. هماهنگی واکه‌ای پس‌رو بین دو واکه واژه دوم i → u / C--- Cu
[hamroj# ʔuʃun]	بازنمایی روساختی

^۶ در فارسی معیار واکه /a/ پیش از خیشومی /n/ بیشتر در صورت‌های نوشتاری و رسمی به کار می‌رود و در

گفتار غیررسمی معمولاً به واکه افراشته [u] تبدیل می‌گردد. مثلاً واژه «ایشان» در گونه گفتار غیررسمی فارسی

به صورت [ʔiʃun] تلفظ می‌شود.

واژه‌های تک‌هجایی مختوم به سایش چاکنایی /h/ مانند «چاه»، «راه»، «شاه»، «کاه» و «ماه» مشمول قاعده افراشتگی واکه نمی‌شوند. اعمال قاعده کشش جبرانی^۷ پس از حذف همخوان سایش چاکنایی /h/ در این واژه‌ها موجب کشش بیشتر واکه [a:] می‌شود؛ اما این واژه‌های تک‌هجایی چه در حالت منفرد و چه در گروه‌های اضافه از قاعده افراشتگی واکه پیروی نمی‌کنند. از این رو، در گویش شیرازی «ماه» و «ماه تابان» به صورت‌های [ma:] و [mah+e tabun] تلفظ می‌شوند.

غلت‌شدگی واکه: تبدیل پسوند معرفه /-u/ به غلت [w] در بافت پس از واکه‌های میانی
در گویش شیرازی پسوند معرفه /-u/ در اتصال به واژه‌هایی که به واکه‌های میانی /e, o/ ختم می‌شوند، برای رفع التقاء واکه‌ها به غلت نرم‌کامی [w] تبدیل می‌گردد. این قاعده در گویش شیرازی به شکل زیر صورت‌بندی می‌شود:

قاعده ۶: غلت‌شدگی پسوند معرفه /-u/ به غلت نرم‌کامی [w] در التقاء واکه‌های میانی

$$u \rightarrow w / [e, o] + \text{---} \#$$

فرایند غلت‌شدگی واکه پسوند معرفه زمینه را برای عملکرد قاعده همگونی در مشخصه [پسین] با واکه پایانی ستاک فراهم می‌کند. به‌طوری‌که در اثر فرایند همگونی پس‌رو، واکه پیشین میانی /e/ واقع در پایان ستاک به واکه پسین [o] تبدیل می‌شود. این فرایند به‌صورت قاعده ۷ نشان داده شده است:

^۷ در فرهنگ کریستال (۱۹۹۰: ۸۷) در توصیف فرآیند کشش جبرانی آمده است: هنگامی که حذف یک واج، افزایش کشش در واج دیگر، اغلب واج مجاور را به همراه داشته باشد که از این طریق وزن آن هجا ثابت بماند، کشش جبرانی رخ داده است. بنا بر تعریف آرلاتو (۱۳۷۳: ۱۲۷) کشش جبرانی روندی است که طی آن یکی از همخوان‌های موجود در خوشه دوهخوانی حذف شده و واکه قبل از آن‌ها کشیده می‌شود. در گویش شیرازی قاعده کشش جبرانی به‌صورت قاعده زیر نوشته می‌شود: CVCC → CV:C

قاعده ۷. همگونی پسرو بین غلت نرم‌کامی و واکه پیشین میانی /e/ پایانی ستاک

$$e \rightarrow o / C \text{ --- } + w$$

$$V [-\text{high}, -\text{low}, -\text{back}] \rightarrow V [+back] / C \text{ --- } + w$$

جدول ۸. تبدیل واکه افراشته /u/ معرفه به غلت نرم‌کامی [w] در پایان واژه

نوشتار فارسی	واج‌نویسی معیار	گویش شیرازی	زیرساخت شیرازی
آن مدرسه	an+ madresse+e	?u madresow	an+madrese+u
آن پله	an+ pelle+e	?u pellow	an+ pelle+u
آن سطل	an+ satl+e	?u dabbow	an+ dabbe+u
آن هفته	an+hafte+e	?u haftow	an+hafte+u
آن جمعه	an+dʒom?e+e	?u dʒom?ow	an+dʒom.?e+u
آن برادر	an+baradar+e	?u cacow	an+ca.ca+u
آن طلا	an+tala+e	?u telow	an+tela+u
آنجا	an+dʒa+e	?undʒow	an+dʒa+u
آن بالا	an+bala+e	?u balow	an+bala+u

بر طبق قواعد ۶ و ۷ عبارت «آن مدرسه» از زیرساخت تا روساخت به صورت زیر بازنمایی می‌شود:

بازنمایی ۸. عبارت «آن مدرسه» از زیرساخت تا روساخت در گویش شیرازی

/# madrese+u #/	بازنمایی زیرساختی عبارت «آن مدرسه»
madrese <u>w</u>	۱. غلت‌شدگی پسوند معرفه # --- + [e, o] / u→w
madres <u>ow</u>	۲. همگونی پس‌رو بین غلت نرم‌کامی و واکه میانی # e→o / C---w
[madresow]	بازنمایی روساختی

فرایند درج غلت‌های میانجی [j, w] بین پسوند معرفه /-u/ و واکه‌های افراشته در گویش شیرازی پسوند معرفه /-u/ در اتصال به واژه‌هایی که به واکه‌های افراشته /i, u/ ختم می‌شوند، برای رفع التقای واکه‌ها غلت‌های میانجی [j, w] بین دو واکه درج می‌گردند. فرایند درج غلت‌های میانجی در داده‌های جدول ۹ نشان داده شده است:

جدول ۹. درج غلت‌های [j, w] بین تکواژ معرفه‌ساز /u/ و واکه‌های افراشته در پایان واژه

نوشتار فارسی	واج‌نویسی معیار	گویش شیرازی	زیرساخت شیرازی
(آن) قالی	Gali+e	?u Galiju	an Gali+u
(آن) سطل	satl+e	?u dalliju	an dalli+u
(آن) سینی	sini+e	?u dowriju	an dowri+u
(آن) پتو	patu+e	?u patuwu	an patu+u
(آن) کدو	cadu+e	?u cuduwu	an cadu+u
(آن) لبو	labu+e	?u labuwu	an labu+u

در داده‌های جدول ۹ در شرایطی که اسم‌ها به واکه‌های افراشته /i, u/ ختم شوند، با افزودن پسوند معرفه /-u/ التقاء واکه ایجاد می‌شود. در چنین بافتی، با توجه به نوع واکه پایانی اسم‌ها، یکی از غلت‌های میانجی /j, w/ درج خواهد شد. به‌عنوان مثال، در واژه /dalli+u/ با توجه به واکه پیشین /i/ غلت کامی [j] به‌عنوان همخوان میانجی در التقاء واکه به‌صورت [dalli+j+u] به کار می‌برد. از طرف دیگر، در واژه /labu+u/ با توجه به واکه اول یعنی /u/ غلت نرم کامی [w] به‌عنوان همخوان میانجی [labu+w+u] استفاده می‌شود.

قاعده ۸: فرایند درج غلت میانجی متناسب با واکه اول بین واکه افراشته پایان اسم و پسوند معرفه

$\emptyset \rightarrow j / V [+high, -back] \text{ --- } +u$

$\emptyset \rightarrow u / V [+high, +back] \text{ --- } +u$

قاعده ۸ نشان می‌دهد که نوع غلت درج شده متناسب با مشخصه‌های واکه اول از دو واکه رودررو در مرز دو تکواژ انتخاب می‌شود. عبارت «آن سطل» از زیرساخت تا روساخت به شکل زیر بازنمایی می‌شود:

بازنمایی ۹. عبارت «آن سطل» از زیرساخت تا روساخت در گویش شیرازی

/# dalli+u #/	بازنمایی زیرساختی عبارت «آن سطل»
dalli+j+u	۱. درج غلت میانجی متناسب با واکه اول +u --- j / i
[dalliju]	بازنمایی روساختی

افراشتگی واکه افتاده /a/ به میانی [o] در پسوند سببی [-and]

جدول ۱۰. افراشتگی واکه /a/ به [o] در وند سببی [-and] در بافت پیش از توالی /nd/

نوشتار فارسی	واج‌نویسی معیار	گویش شیرازی
سوزاندن	suzandan	suzondan
تکاندن	tecandan	tacondan
نشاندن	neʃandan	noʃondan
خیس کردن	xis cardan	xosondan
شوراندن	ʃurandan	ʃorondan
ایستاندن	istandan	vojsondan
ترکاندن	terecandan	pocondan
قل دادن	gel dadan	torondan
پاک کردن/ خراشیدن	-----	carondan
دواندن	davandan	dowondan
شکاندن	ʃecandan	ʃocondan
پاره کردن	pare cardan	tʃacondan
خواباندن	xabandan	xabondan

در گویش شیرازی افعال سببی و متعدی با افزودن شناسه فاعلی [-am] «م» به معنای «من کاری را انجام دادم» و با افزودن شناسه مفعولی [-om] «م» به معنای «او مرا به کاری واداشت» (در فعل‌های سببی) و یا «کار او بر من تأثیر گذاشت» (در فعل‌های متعدی) همراه

است. مثلاً فعل سببی [dowondam] یعنی «من دواندم» و [dowondom] یعنی «او مرا دواند» و همچنین فعل متعدی [didam] یعنی «من دیدم» و [didom] یعنی «او مرا دید» در گویش شیرازی به کار می‌روند.

صیغه‌های ماضی افعال سببی در فارسی معیار با افزودن پسوند «-اندن» به ماده مضارع افعال لازم ساخته می‌شوند که در تلفظ به صورت [-undan] درمی‌آید. بر طبق داده‌های (۱-۷) واکه /a/ در این پسوند در گویش شیرازی به [o] تبدیل می‌شود. قاعده این تبدیل به صورت زیر است:

قاعده ۹. افراستگی واکه افتاده /a/ به [o] در پسوند سببی در بافت پیش از توالی [-nd]

$\alpha \rightarrow o / \text{--- nd}$

بر طبق قاعده ۹ فعل «دواندم» از زیرساخت تا روساخت بازنمایی می‌شود:

بازنمایی ۱۰. فعل «دواندم» از زیرساخت تا روساخت در گویش شیرازی

/# dav+and+am #/	بازنمایی زیرساختی فعل «دواندم»
davondam	۱. افراستگی واکه افتاده /a/ به [o] در پسوند سببی $\alpha \rightarrow o / \text{--- nd}$
dawondam	۲. تضعیف ^۸ سایشی لبی دندانی v به w پس از واکه $v \rightarrow w / V \text{---}$
dowondam	۳. همگونی بین غلت w و واکه قبل $a \rightarrow o / C \text{--- w}$
[dowondam]	بازنمایی روساختی

^۸ فرآیند تضعیف (lenition) در سه مشخصه امکان وقوع دارد: ۱. درجه بست تولیدی؛ ۲. واکداری؛ ۳. تغییر

حفره از دهان به حلق (لوشوتسکی، ۲۰۰۰: ۵۱۰-۵۲۴). در واج‌شناسی فرآیند تضعیف به کاهش شدت کلی یک آوا از دیدگاه هم‌زمانی یا در زمانی اطلاق می‌شود (کامپوزیا، ۱۵:۲۰۰۳).

افراشتگی واکه پیشوند امر یا التزامی در اثر هماهنگی واکه‌ای

نوروزی‌زیده‌ی (۱۳۸۲: ۱۱۰) هماهنگی واکه‌ای در گویش گیلکی را بررسی کرده و نشان داده است که چگونه این فرایند در برخی از واژه‌های گویش گیلکی رشت منجر به وقوع فرایند ارتقاء واکه می‌شود. دو نمونه از واژه‌هایی که در گویش گیلکی رشت، مشمول هماهنگی واکه‌ای می‌شوند و فرایند ارتقاء واکه را نشان می‌دهند، عبارت‌اند از: «کبریت» و «سفید» که در زیرساخت به‌صورت /cebrit/ و /sefid/ واج‌نویسی می‌شوند و پس از اعمال فرایند ارتقاء واکه در روساخت به‌صورت [cibrit] و [sifid] درمی‌آیند.

جدول ۱۱. هماهنگی واکه‌ای پیشوند امر /be-/ با واکه افراشته ستاک فعل

نوشتار فارسی	واج‌نویسی معیار	گویش شیرازی
بگو	beju	buju
بنشین	benefin	bifin
بنویس	benevis	binvis
بدوز	beduz	buduz
بشوی / بشور	beʃur	buʃur
بریز	beriz	biriz
ببین	bebin	bibin
بخوان	bexan	buxun
بمان	beman	bumun
بسوزان	besuzan	busuzun
بپوش	bepuʃ	bupuʃ
بروب	-----	buruf
بنشان	benefan	buʃun

در هماهنگی واکه‌ای، برخی مشخصه‌های واکه ستاک بر مشخصه‌های وندها تأثیر می‌گذارد (فالک، ۱۳۷۸: ۱۳۹). آرلاتو (۱۳۷۳: ۱۲۲) این فرایند مانند همگونی، دو نوع پیش‌رو و پس‌رو دارد. در گویش شیرازی هماهنگی واکه‌ای در فعل‌ها به صورت پس‌رو وجود دارد؛ به طوری که واکه ستاک، واکه پیشوند را به لحاظ مشخصه‌های [پسین] و [افراشته] با خود همگون می‌کند. چنان‌که در داده‌های جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، در وجه امری با افزودن پیشوند «ب-» [be-] به ستاک فعل، در گویش شیرازی هماهنگی واکه‌ای پس‌رو دیده می‌شود؛ به طوری که مشخصه‌های واکه ستاک بر واکه پیشوند امر گسترش می‌یابد. این فرایند در قاعده ۱۰ نشان داده شده است:

قاعده ۱۰. هماهنگی واکه‌ای پس‌رو بین واکه ستاک فعل و پیشوند امر

$e \rightarrow V [\alpha_{back}, \beta_{high}] / b \text{ --- } + CV [\alpha_{back}, \beta_{high}]$

بر طبق قاعده ۱۰ فعل امر «بمان» از زیرساخت تا روساخت به صورت زیر بازنمایی

می‌شود:

بازنمایی ۱۰. فعل امر «بمان» از زیرساخت تا روساخت در گویش شیرازی

# be+man #/	بازنمایی زیرساختی فعل «بمان»
bemun	۱. افراستگی واکه افتاده /a/ به [u] پیش از خیشومی n /--- α→u
bumun	۲. هماهنگی واکه‌ای پس‌رو بین واکه ستاک فعل و پیشوند امر
[bumun]	بازنمایی روساختی

نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش مقاله، فرایندهای فعالی که در داده‌های جمع‌آوری شده در گویش شیرازی از بسامد قابل توجهی برخوردار بودند، عبارت‌اند از:

۱. انسدادی /t/ در خوشه‌های همخوانی در بافت‌های الف. پایان واژه به‌عنوان عضو دوم خوشه همخوانی، مانند: دست؛ ب. در توالی‌های سه‌همخوانی به‌عنوان عضو دوم، مانند: دستبند؛ ج. در مرز دو واژه پیش از همخوان، مانند: دست باز، حذف می‌شود.
۲. انسدادی /t/ در توالی /-st-/ در بافت بین دو واکه در مشخصه شیوه تولید با سایشی /s/ همگون شده و نوعی تشدید عارضی به‌صورت [-ss-] ایجاد می‌گردد. به‌عنوان مثال، واژه «دسته» به‌صورت [dasse] تلفظ می‌شود.
۳. واکه پسین افتاده /a/ در بافت قبل از سایشی لثوی کامی /ʃ/ در فعل‌های دارای خوشه همخوانی /-ʃt-/ یک درجه افراشته شده و به واکه میانی [o] ارتقاء می‌یابد.
۴. تکواژ پی‌بستی اضافه /e/ در گروه‌های اضافه و وصفی در گویش شیرازی حذف می‌شود.
۵. هرگاه در ساخت‌های اضافه، مضاف یا موصوف به یکی از واکه‌های میانی /e, o/ ختم شود، ابتدا بین دو واکه غلت [j] درج می‌گردد و سپس تکواژ پی‌بستی اضافه /-e/ حذف می‌گردد.
۶. واکه پسین افتاده /a/ در پایان تکواژهای آزاد، یک درجه افراشته شده و به واکه میانی [o] ارتقاء می‌یابد.
۷. در گویش شیرازی نشانه معرفه، تکواژ /-u/ است که به انتهای اسم متصل می‌شود. در اسم‌هایی که به واکه‌های میانی /e/ و /o/ ختم می‌شوند، پسوند معرفه /-u/ به غلت نرم کامی [w] تبدیل می‌شود. سپس، غلت نرم کامی بر واکه میانی /e/ تأثیر گذاشته و در مشخصه پسین آن را با خود همگون کرده و به واکه [o] تبدیل می‌کند.

۸. واکه پسین افتاده /a/ در پسوند سببی /-and/ در بافت پیش از توالی [-nd] یک درجه افراشته شده و به واکه میانی [o] تبدیل می‌شود.

۹. واکه پیشین میانی موجود در پیشوندهای امری و التزامی /be-/ به لحاظ مشخصه‌های [پسین] و [افراشته] با واکه افراشته ستاک فعل همگون می‌شود.



منابع

- آرلاتو، آنتونی (۱۳۷۳)، درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خزدوز، مریم (۱۳۸۲)، کاکو شیرازی، شیراز: انتشارات واژه‌آفرین.
- زارعی، فاطمه (۱۳۸۳)، ماجراهای خانم دوسی، شیراز: ره‌آورد هنر.
- زارعی‌فر، رها (۱۳۹۴)، «بررسی فرایندهای واجی و آوایی لهجه شیرازی»، کنفرانس بین‌المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن، گرگان، ص ۱-۹.
- سپاسدار، محمود (۱۳۸۸)، شیرازی: نگاهی به لهجه مردم شیراز، شیراز: آوند اندیشه.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۳)، گنجینه گویش‌شناسی فارس، دفتر اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۴)، گنجینه گویش‌شناسی فارس، دفتر دوم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۵)، گنجینه گویش‌شناسی فارس، دفتر سوم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۶)، گنجینه گویش‌شناسی فارس، دفتر چهارم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۸)، گنجینه گویش‌شناسی فارس، دفتر پنجم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سمندر، بیژن (۱۳۷۷)، شعر شیراز، تهران: انتشارات امیربهادر.
- سمندر، بیژن (۱۳۸۳)، به یاد شیراز، شیراز: انتشارات رخشید.
- کامبوزیا، ع. ک. ز. (۱۳۹۸)، واج‌شناسی رویکردهای قاعده‌بنیاد، تهران: انتشارات سمت.

نوروزی زیدهی، ط. (۱۳۸۲)، بررسی فرایندهای واجی گویش گیلکی رشت در چارچوب واج شناسی خودواحد، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس. تهران.

Chomsky, N., & Halle, M. (1968), The Sound Pattern of English, Harper and Row publishers.

Crystal, D. (2003/2008), A Dictionary of Linguistics and Phonetics, Oxford: Blackwell Publishers.

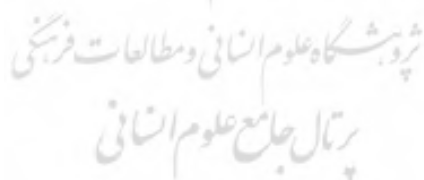
Falk, J. S. (1378), Linguistics and Language, Tehran: Abbassi.

Kambuziya, K.Z. A. (2003), "Lenition in Phonological Patterns of Persian", Journal of Humanities, vol.10, No. 2, P. 13-18.

Kenstowicz, M. (1994), Phonology in Generative Grammar, Blackwell Publishers.

Luschutzky, H. ch. (2000), "Sixteen Possible Types of Natural Phonological Processes", Kreidler, Phonology Ctitical Concepts, Vol. 1. P: 506 – 524.

Trask. R. I. (2006), A dictionary of Phonetics and Phonology, London: Routledge.



Abstract

Several Active Phonological Processes in Shirazi Dialect

The aim of this research is to investigate active phonological processes in Shirazi Dialect. For this purpose, the data required for the research have been collected in several ways: 1. Interviews with 5 Shirazi informants, 2. Using the linguistic intuition of one of the authors to verify the data, 3. Using sources such as Samandar (1377 and 1383) and Zarei (1383) who have written poems and stories in this Dialect. After collecting more than five hundred simple, complex, and compound words and phrases, the data have been categorized according to the common context and the type of the process of each has been identified, described, and analyzed, and the rule of each process has been written. At the end of each section, one of the data from the underlying form to the phonetic one has been represented as an example. Several of the results of this study are: 1. In the consonant clusters /st/ and /zd/, the process of assimilation acts in a progressive manner in the context between two vowels. 2. The back low vowel /ɑ/ in the context before the postalveolar fricative /ʃ/ and at the end of free morphemes is raised to the mid vowel [o]. 3. The affix /-e/ is deleted in the genitive and adjectival phrases. 4. The back low vowel /ɑ/ in the causative suffix [-and] is raised one degree before the consonant sequence /nd/ and becomes the mid vowel [o]. 5. The mid vowel /e/ in the imperative and subjunctive prefix /be-/ has vowel harmony with the high vowels of the verb stem in terms of the features of [high] and [back].

Keywords: vowel raising, assimilation, vowel harmony, insertion, deletion.